



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیروز عرض کردیم که از آیه ۱۱ و ۱۲ و ۱۷۶ از سوره نساء ۱۴ حکم کلی درباره ارث و سهام برخی از افراد بیان شده و باید توجه داشته باشید که هرچه ما به اینها تسلط داشته باشیم و حفظ باشیم در آینده کار محاسبه ارث برای ما آسان تر خواهد بود.

اول: "فالنصف لأربعة : الزوج مع عدم الولد) للزوجة (وإن نزل) سواء كان منه أم من غيره. (والبنت) الواحدة. (والأخت للأبوين والأخت للأب) مع فقد أخت الأبوين (إذا لم يكن ذكر) في الموضوعين".^۱

دوم: "والربع لاثنتين: الزوج مع الولد) للزوجة وإن نزل. (والزوجة) وإن تعددت (مع عدمه) للزوج".^۲

سوم: "والثمن لقبيل واحد) وهو (الزوجة وإن تعددت مع الولد) وإن نزل".^۳

چهارم: "والثلثان لثلاثة: البنيتن فصاعدا. والأختين لأبوين فصاعدا. والأختين للأب) - مع فقد المتقرب بالأبوين - فصاعدا (كذلك) إذا لم يكن ذكر في الموضوعين".^۴

پنجم: "والثلث لقبيلين: للأم مع عدم من يحجبها) من الولد والإخوة (وللأخوين، أو الأختين، أو للأخ والأخت فصاعدا من جهتها) ولو قال: للاثنتين فصاعدا من ولد الأم ذكورا أم إناثا أم بالتفريق كان أجمع".^۵

ششم: "والسدس لثلاثة: للأب مع الولد) ذكرا كان أم أنثى وإن حصل له مع ذلك زيادة بالرد، فإنها بالقراية، لا بالفرض (وللأم معه) أي مع الولد، وكذا مع الحاجب من الإخوة (وللواحد من كلاله الأم) أي أولادها".^۶

در قرآن کریم درباره ارث دو جور مطلب داریم؛ اول بیان حکم بدون معین کردن فرض و مشخص کردن مقدار.

مطلب دوم: عبارت "وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ" در دوجای قرآن کریم یکی در آیه ۷۵ سوره انفال و دیگری در آیه ۶ سوره احزاب ذکر شده که این نیز بیان حکم است و در روایات ما به "الأقرب يمنع الأبعد" تفسیر شده است که این اخبار در جلد ۱۷ وسائل الشیعة ۲۰ جلدی در باب اول از ابواب موجبات الإرث ذکر شده اند:

خبر اول: ﴿عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ، عَنْ ابْنِ بَكِيرٍ، عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: "وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِيَّ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ" قَالَ: إِنَّمَا عَنَىٰ بِذَلِكَ أَوْلُوا الْأَرْحَامِ فِي الْمَوَارِيثِ وَلَمْ يَعْزِمْ أَوْلِيَاءَ النِّعْمَةِ، فَأَوْلَاهُمْ بِالْمِيتِ أَقْرَبُهُمْ إِلَيْهِ مِنَ الرَّحِمِ الَّتِي يَجْرُهَا إِلَيْهَا".^۷

خبر سنداً صحیح است.

خبر دوم: ﴿وَعَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَسَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ، وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا، عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ يَزِيدِ الْكِنَاسِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ابْنُكَ أَوْلَىٰ بِكَ مِنْ ابْنِ ابْنِكَ، وَابْنُ ابْنِكَ أَوْلَىٰ بِكَ مِنْ أَخِيكَ، قَالَ: وَأَخْوُكَ لِأَبِيكَ أَوْلَىٰ بِكَ مِنْ أَخِيكَ لِأَبِيكَ، قَالَ: وَابْنُ أَخِيكَ لِأَبِيكَ وَأُمَّكَ أَوْلَىٰ بِكَ مِنْ ابْنِ أَخِيكَ لِأَبِيكَ، قَالَ: وَابْنُ أَخِيكَ مِنْ أَبِيكَ أَوْلَىٰ بِكَ مِنْ عَمِّكَ، قَالَ: وَعَمُّكَ أَخُو

^۱ الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، شهيد ثاني، ج ۸، ص ۶۷.

^۲ الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، شهيد ثاني، ج ۸، ص ۶۷.

^۳ الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، شهيد ثاني، ج ۸، ص ۶۷.

^۴ الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، شهيد ثاني، ج ۸، ص ۶۷.

^۵ الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، شهيد ثاني، ج ۸، ص ۶۸.

^۶ الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، شهيد ثاني، ج ۸، ص ۶۸.

^۷ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۱۴، ابواب موجبات الإرث، باب ۱،

حدیث ۱، ط الإسلامية.

دختر پیغمبر است نداند و فقط ابوبکر بدانند؟! آنها به این خبر جعلی تکیه کرده و می گویند حق با ابوبکر بوده، بنده نوشته ام که دو چیز را اینجا به عنوان اصل درست کردند؛ اول اینکه "صحابه کلهم مجتهدون" و بعد حدیثی را درست کرده اند که "المجتهد مأجور إن أخطأ فله أجرٌ واحد و إن أصاب أجران" و حتی شمر و یزید و ابن ملجم را نیز مجتهد دانسته اند!، دوم اینکه "الصحابة کلهم عدول"، با این دو اصل صحابه را توجیه کرده اند و هر چه به آنها می گوئیم مثلاً در جیش اسامه شرکت نکردند و امثال ذلک نمی پذیرند، سید شرف الدین کتابی دارد بنام "النص والاجتهاد" که بسیار کتاب مهم و مفیدی می باشد و در آن ۵۰ مورد را ذکر کرده که آنها با پیغمبر مخالفت کرده اند ولی می گویند اشکالی ندارد چون صحابه مجتهد و عادل هستند! خلاصه تمام مخالفتها و اشتباهات و انحرافات را با این دو اصل درست کرده اند! و در اینجا نیز می گویند ابوبکر هم اگر این حدیث را گفته مأجور است! البته حدیث را دو جور می توان خواند؛ صدقه و صدقه، اگر صورت اول باشد خب درست است ما نیز قبول داریم بله آنچه از ماترک که صدقه باشد لا نورث به عبارت دیگر آنچه را که ما به عنوان صدقه ترک کردیم صدقه است و در حال حیاط نیز به ما به عنوان صدقه داده بودند لکن آنها می گویند صدقه یعنی ما چیزی را به ارث نمی گذاریم و هر چه از ما باقی بماند به ورثه نمی رسد بلکه تمامش صدقه می باشد از این جهت غصب کرده اند...

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
مُحَمَّدٍ و آلِهِ الطاهیرین

أبيك من أبيه وأمه أولى بك من عمك أخي أبيك من أبيه، قال: وعمك أخو أبيك من أبيه أولى بك من عمك أخي أبيك لأمه، قال: وابن عمك أخي أبيك من أبيه وأمه أولى بك من ابن عمك أخي أبيك لأبيه، قال: وابن عمك أخي أبيك من أبيه أولى بك من ابن عمك أخي أبيك لأمه^۱.

سند خبر خوب است فقط یزید الکناسی موثق نیست منتهی چون خبر مورد عمل فقهاء می باشد ضعفش جبران می شود.

این روایات به ترتیبی که ذکر شد "الأقرب يمنع الأبعد" را ذکر کرده که مراجعه و مطالعه کنید.

مطلب دیگر اینکه آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه در ذکر آیات ارث یک اشاره ای دارد و می فرماید با توجه به این ترتیبی که در آیات ذکر شده چطور شد که به فاطمه زهراء سلام الله علیها ارث داده نشد؟! حضرت بعد از رحلت پیغمبر صلوات الله علیه و آله وقتی خطبه خواندند چند چیز را مطالبه کردند من جمله فدک که اصلاً ارث نبود و پیغمبر در حال حیاط به ایشان بخشیده بود، و دوم اینکه مطالبه ارث کردند و سوم اینکه حضرت خمس را طلب کردند ولیکن ابوبکر با جعل یک حدیثی فاطمه زهراء سلام الله علیها را از تمام اینها محروم کرد و گفت: "قال النبی صلی الله علیه و آله: نحن معاشر الأنبياء لا نورث ما ترکناه صدقة"، یکی از بحثهای مهم همین موضوع می باشد و بنده در کتاب خمس چندین صفحه در این رابطه بحث کرده ام، مطلب اول اینکه این خبر جعلی را فقط ابوبکر نقل کرده و هیچ کس غیر از او این خبر را از پیغمبر صلوات الله علیه و آله نقل نکرده حالا چطور می شود که پیغمبر خدا مطلب به این مهمی را نقل کرده باشد و حضرت امیر علیه السلام که باب العلم است آن را نداند و یا فاطمه زهراء سلام الله علیها با آن عظمت که

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۱۴، ابواب موجبات الإرث، باب ۱، حدیث ۲، ط الإسلامیة.